

نگاهی به تساوی حقوق زن و مرد در جامعه

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۳/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۶/۱۲)

محمدرضا مرادی

محقق و مولف کتب حقوقی

پژوهشگر برگزیده کشور چهار دوره متوالی و دارنده تندیس طلایی پژوهشگر برتر موسسه قانون یار

چکیده

شاید بارهای این سوال برای شما پیش آمده باشد حق یک انسان چیست که زن و مرد باید به شکل مساوی از آن بهره برند؟ مسلماً این امر تنها به این معنی نیست که زن ترک خانه کند و در اجتماع حاضر باشد. حقوق برابر در اموری بسیار متعالی تر است: حق تفکر، حق آموزش، حق انسان بودن، حق رشد و تعالی عقلانی و روحانی. زن و مرد باید به طور مساوی امکان ترقی و تکامل داشته باشند و بتوانند قابلیت و استعدادات خود را بروز دهند. نکته مهم این جاست که زن و مرد هر دو به تنهایی انسان هایی کامل و مستقل هستند که هر یک به منزله یک واحد انسانی می توانند زندگی و ترقی کنند. زمانی می توان انتظار حقوقی برابر را برای آنان داشت که چنان باوری ملکهء جامعه گردد. اما مگر حالا که چنین نیست، چه مشکلاتی وجود دارد؟ اگر این ارزش محقق شود چه خواهد شد؟ نادیده گرفتن زنان در هر جامعه به ضرر کل آن جامعه است. ازسوی دیگر تحقیقات نشان داده است که در جوامع مردسالار گرایش به نظام دیکتاتوری بیشتر است. مصداق آن را نیز آلمان در دوران نازیسم می دانند که تاکید بر خانه نشینی زنان داشت. بالعکس، حکومت دموکراسی اغلب با حضور زنان در جامعه همراه بوده است. در ضمن هر کجا که موازنهء بین دو جنس برقرار باشد، سطح زندگی ارتقا می یابد و شاید همین اصل مؤید آن باشد که حضور زنان در جامعه و تصمیم گیری ها منجر به برقراری صلح خواهد شد. زیرا روحیهء فداکاری مادرانه به جامعه تسری می یابد و رافع خودخواهی ها و تعصبات و در نتیجه دشمنی ها و جنگ ها می گردد.

واژگان کلیدی: حقوق زنان، حق انسان، حقوق اجتماعی، حق و حقوق قانونی

بخش اول: بررسی و جایگاه حقوق زن و مرد از دیدگاه اسلام و غرب

از جمله موضوعات مورد بحث پیرامون حقوق زن، مقایسه بین مکتب اسلام با دستاوردهای تمدن غرب است، امروز در دنیا درباره حقوق زن، مکتب دیگری رایج نیست و نوعا شرقی ها و همه دنیا تحت تأثیر دستاوردهای غربی ها در مورد تساوی زن هستند و تقریبا این فکر غرب همه جا و حتی دنیای کمونیستی را هم احاطه کرده است. بنابراین مقایسه، مناسب ترین طرف اسلام همین دستاوردهای دنیای غرب است که غربی ها در این مسأله خیلی هم به خود می بالند. با این مقایسه می توان پی برد که نگرش حاکم بر غرب واقعا به مصلحت جامعه و خانم ها می باشد یا خیر؟ اسلام، زن را چگونه موجودی می داند؟ آیا از نظر شرافت و حیثیت انسانی او را برابر با مرد می داند یا او را جنس پست تر می شمارد؟ این پرسشی است که اکنون می خواهیم به پاسخ آن پردازیم. اسلام در مورد حقوق خانوادگی زن و مرد، فلسفه خاصی دارد و پاره ای از حقوق و تکالیف و مجازات ها را برای مرد مناسب تر دانسته و پاره ای از آن ها را برای زن، در نتیجه، در مواردی برای زن و مرد وضع مشابه و در موارد دیگر وضع نامشابهی در نظر گرفته است. چرا؟ آیا بدان جهت است که اسلام نیز مانند بسیاری از مکتب های دیگر، نظریات تحقیر آمیزی نسبت به زن داشته و زن را جنس پست تری شمرده است یا علت و فلسفه دیگری دارد؟

عده ای گمان کرده اند که اسلام درباره زن، عدالت را مراعات نکرده است، در صورتی که همان گونه که منابع اسلامی نشان می دهد و صاحب نظران محقق در این باره تحقیقات شایسته ای انجام داده اند، اسلام مابین تساوی زن و مرد و عدالت در میان آن ها فرق گذاشته است مسلم است. که اگر اسلام می گفت زن و مرد از همه جهات بیولوژیک، فیزیولوژیک و روانی و هرگونه فعالیت مغزی و روحی، یکی هستند، این خلاف واقع بود و گمان نمی رود کسی در این دنیا پیدا شود و از این دو صنف اطلاع لازم و کافی داشته باشد و چنین سخنی را به زبان بیاورد. شهید مطهری می گوید: «مکرر در نطق ها و سخنرانی ها و نوشته های پیروان سیستمی غربی شنیده و خوانده اید که مقررات اسلام را در مورد مهر و نفقه و طلاق و تعدد زوجات و امثال این ها به عنوان تحقیر و توهینی نسبت به زن یاد کرده اند؟ چنین وانمود می کنند که این امور هیچ دلیلی ندارد جز اینکه فقط جانب مرد رعایت شده است. می گویند اسلام، دین مردان است و زن را انسان تمام عیار شناخته و

برای او حقوقی که برای یک انسان لازم است وضع نکرده است. اگر اسلام زن را انسان تمام عیار می‌داندست تعدد زوجات را تجویز نمی‌کند، حق طلاق را به مرد نمی‌داد، شهادت دو زن را با یک مرد برابر نمی‌کرد، برای زن قیمت به نام مهر قائل نمی‌شد، به زن استقلال اقتصادی و اجتماعی می‌داد و او را جیره‌خوار و واجب‌النفقة مرد قرار نمی‌داد. می‌گویند اسلام با این که دین مساوات است و اصل مساوات را در جاهای دیگر رعایت کرده است، در مورد زن و مرد رعایت نکرده است. اصلی که در این استدلال به کار رفته، این است که لازمه اشتراک زن و مرد در حیثیت و شرافت انسانی، یکسانی و تشابه آن‌ها در حقوق است. مطلبی هم که از نظر فلسفی باید انگشت روی آن گذاشت این است که لازمه اشتراک زن و مرد در حیثیت انسانی چیست؟ آیا لازمه‌اش این است که حقوق مساوی یکدیگر داشته باشند به طوری که ترجیح و امتیاز حقوقی در کار نباشد؟ یا لازمه‌اش این است که حقوق زن و مرد علاوه بر تساوی و برابری، متشابه و یکنواخت هم بوده باشند و هیچ‌گونه تقسیم کار وظیفه‌ای در کار نباشد؟ شک نیست که لازمه اشتراک زن و مرد در حیثیت انسانی و برابری آنان از لحاظ انسانیت، برابری آن‌ها در حقوق انسانی است؛ اما تشابه آن‌ها در حقوق چگونه؟ کمیت غیر از کیفیت است. برابری غیر از یکنواختی است. آن چه مسلم است این است که اسلام حقوق یک‌جور و یکنواختی برای زن و مرد قائل نشده است ولی اسلام هرگز امتیاز و ترجیح حقوقی برای مردان نسبت به زنان قائل نیست. اسلام اصل مساوات انسان‌ها را درباره زن و مرد نیز رعایت کرده است. اسلام با تساوی حقوق زن و مرد مخالف نیست، با تشابه حقوق آن‌ها مخالف است.» در این که «این دو صنف با همدیگر متفاوت‌اند، از نظر خلقت طبیعی، جای تردید نیست و در این باره تحقیقات به حد لازم و کافی انجام گرفته است. عنایت امر این است که آیا این اختلاف و تنوع در خلقت طبیعی زن و مرد باعث می‌شود که یکی ناقص و دیگری کامل باشد، نه چنین چیزی نیست، این مسئله تنوع است، نه نقص و کمال.» این اختلافات، انعکاسی «در روبنای زندگی گذاشته است؛ نه در حقایق واقعی و جوهر حیات این دو صنف زن و مرد. آن چه ممکن است باعث اختلاف باشد، یکی عده واقعیات است که ما آن‌ها را مشاهده می‌کنیم، مانند این که مرد نیروی بیش تری در پیچیدن در لابه‌لای تولیدات سخت اقتصادی و دفاع از کشور، تحمل مشقت‌ها و خشونت‌های زندگی دارد و همچنین در جریان توالد و تناسل

باری را که صنف زن به دوش می کشد، باعث تقید بیش تر او می گردد و در این جریان مرد آزادتر است، همان طور که سیمون دوبوار از نیچه نقل کرده است: تسلیم شدن زن در اجرای پدیده خلقت، خیلی بیش تر از مرد است و اگر مردی ادعا کند که او هم مثل زن در این جریان تسلیم می شود، به شرافتم سوگند یا دروغ می گوید، یا مرد نیست.» اگر بخواهیم بینیم نظر قرآن درباره خلقت زن و مرد چیست، لازم است به مسئله سرشت زن و مرد که در سایر کتاب های مذهبی نیز مطرح است، توجه کنیم. قرآن نیز در این موضوع سکوت نکرده است. باید بینیم قرآن زن و مرد را یک سرشتی می داند یا دوسرشتی؛ قرآن با کمال صراحت، در آیات متعددی می فرماید: زنان را از جنس مردان و از سرشتی نظیر سرشت مردان آفریده ایم. قرآن درباره همه آدمیان می گوید: «خداوند از جنس خود شما برای شما همسر آفرید.» آیه، صریحا ارزش را بر ملاک تقوا قرار داده است. بدون اختصاص به زن یا مرد. به نظر می رسد امتیاز بسیار مهمی که در صنف زن وجود دارد، چشیدن طعم حیات است که مرد تنها مفهومی از آن را درک می کند. چشیدن طعم حیات در صنف زن بیش تر و عمیق تر از مرد دیده می شود و به همین جهت است که قانون الهی چنین اقتضا کرده است که ارتباط مادر با فرزندان و کودکان تا دوران رشد احساسات و عواطف آنها ادامه داشته باشد. امام خمینی رحمه الله در این باره می فرماید: «همان طور که حقوق مردها در اسلام مطرح است، حقوق زن ها نیز مطرح است.

اسلام به زن ها بیشتر عنایت کرده است تا به مردها، اسلام زن ها را بیشتر حقوقشان را ملاحظه کرده است تا مردها. این هم معنا که بعد از این چه خواهد شد، زن ها حق رأی دارند. از غرب بالاتر است این مسائلی که برای زن ها ما قائل هستیم. حق رأی دادن دارند، حق انتخاب دارند، حق انتخاب شدن دارند. همه این ها هست. تمام معاملاتشان به اختیار خودشان است و آزاد هستند. اختیار شغل را آزاد هستند. البته در شرق برای مردها یک محدودیت هایی هست که آن محدودیت ها به صلاح خود مردها هست و آن محدودیت ها، یعنی در آن جاهایی که مفسده هست برای مرد، از قماربازی جلوگیری می کند. اسلام از شراب خواری جلوگیری می کند. اسلام از هروئین جلوگیری می کند، برای این که مفسده دارند.» «برای همه یک محدودیت هایی هست، محدودیت هایی شرعی و الهی، محدودیت هایی است که به صلاح خود جامعه است. نه این است که برای جامعه یک

چیزی مثلاً نافع بوده است که محدودیت برایش ایجاد کرده‌اند!» حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای نیز می‌فرماید: «شما باید زن را با چشم یک انسان والا نگاه کنید، تا معلوم بشود که تکامل و حق و آزادی او چیست؟ زن را به عنوان یک موجودی که می‌تواند مایه‌ای برای اصلاح جامعه یا پرورش انسان‌های والا بشود نگاه کنید تا معلوم بشود که زن کیست و آزادی او چگونه است، زن را به چشم آن عنصر اصلی تشکیل خانواده در نظر بگیرید. اگرچه از مرد و زن تشکیل می‌شود و هردو در تشکیل و موجودیت خانواده مؤثرند. اما آسایش فضای خانواده و آرامش سکوتی که در فضای خانواده است به برکت زن و طبیعت زنانه است. با این چشم به زن نگاه کنید تا معلوم بشود که زن چگونه کمال پیدا می‌کند و حقوق زن چیست؟» شهید مطهری می‌فرماید: «آنچه از نظر اسلام مطرح است، این است که زن و مرد به دلیل این که یکی زن است و دیگری مرد، در جهات زیادی مشابه یکدیگر نیستند، جهان برای آنها یک جور نیست، خلقت و طبیعت آنها را یکنواخت نخواست است، و همین ایجاب می‌کند که از لحاظ بسیاری از حقوق و تکالیف و مجازات‌ها وضع مشابهی نداشته باشند. در دنیای غرب، اکنون سعی می‌شود میان زن و مرد از لحاظ قوانین و مقررات و حقوق و وظایف، وضع واحد مشابهی بوجود آورند و تفاوت‌های غریزی و طبیعی زن و مرد را نادیده بگیرند. تفاوتی که میان نظر اسلام و سیستمی غربی وجود دارد در این جاست. کلمه «تساوی حقوق، یک مارک تقلبی است که مقلدان غرب بر روی این ره آورد غربی چسبانده‌اند.» (اعلامیه حقوق بشر که در فصل گذشته، توضیح مختصری درباره آن دادیم، دارای یک دیباچه و ۳۰ ماده است که پس از گفتگوهای طولانی، در تاریخ آذرماه ۱۳۲۷ شمسی، مطابق با ۱۰ دسامبر ۱۹۶۸ م، از طرف مجمع سازمان ملل تصویب گردید و جهانیان آن روز را به نام «روز حقوق بشر» جشن می‌گیرند. در خیلی از مواد این اعلامیه، به آزادی انسان و انواع آزادی‌ها تصریح شده است. نکات مثبت زیادی در این اعلامیه دیده می‌شود و نسبت به دو اعلامیه قبلی - یعنی اعلامیه حقوق آمریکا (۱۷۷۶) و اعلامیه حقوق فرانسه (۱۷۸۹ م) - کامل‌تر است، ولی کاستی‌های بسیاری نیز دارد. اول این که آزادی مطرح شده در این اعلامیه همان آزادی در مکتب لیبرالیزم است. این اعلامیه هیچ اشاره‌ای به «آزادی مثبت» یا «آزادی معقول» که بسیاری از فیلسوفان از آن حمایت می‌کنند، ندارد. از نظر این اعلامیه، تنها قید آزادی، اصطلاح آن با آزادی دیگران است.

نکته دوم، مشروعیت آزادی مورد بحث است. در ماده نخستین آمده است: همه افراد بشر، آزاد و باحیثیت و حقوق یکسان زاییده می‌شوند. «اگر موضوعی الحادی نیز داشته باشیم، باید بگوییم حقوق افراد را آفرینش خاص آنها تعیین می‌کند. برای مثال باید بگوییم چند نظام آفرینش بارداری و زایمان و شیر دادن را به عهده زنان گذارده است، زنان باید از حمایت و حقوق بیشتری برخوردار باشند. نه آن که بی‌توجهی به سرشت خاص زن و مرد، حقوق همه را یکسان بدانیم.»

شهید مطهری می‌فرماید: «در این نهضت به این نکته توجه نشد که مسائل دیگری هم غیر از تساوی و آزادی هست تساوی و آزادی شرط لازم‌اند نه شرط کافی. تساوی حقوق یک مطلب است و تشابه حقوق مطلب دیگر به برابری حقوق زن و مرد از نظر ارزش‌های مادی و معنوی یک چیز است و همانندی و همشکلی و همسانی چیز دیگر. در این نهضت عمداً یا سهواً تساوی به جای تشابه به کار رفت و برابری با همانندی یکی شمرده شد، کیفیت تحت‌الشعاع کمیت قرار گرفت. انسان بودن زن موجب فراموشی زن بودن و می‌گردید. به نام آزادی و به نام انتخاب، دختر شایسته و نمونه سال انتخاب می‌کنند و با چاپ عکس‌های عریان در ابعاد مختلف در مجله‌ها و روزنامه‌ها از وجود آن‌ها استفاده می‌کنند تا به این طریق مشتری بیشتری برای خود جذب کنند.

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «اشتباه می‌کند دنیای استکبار سرشار از جاهلیت که خیال می‌کند ارزش و اعتبار زن به این است که خود را در چشم مردان آرایش کنند تا چشم‌های هرزه به او نگاه کنند و از او تمتع بگیرند و او را تحسین کنند. آنچه امروز در غرب از آن به عنوان آزادی زن نام برده می‌شود، آزادی زن نیست؛ بلکه در واقع، باید آن را آزادی مردان هرزه برای التذاذ از زن نامید.»

«لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ»

شهید مطهری می‌فرماید: «شرط اصلی سعادت هر یک از زن و مرد و در حقیقت جامعه بشری این است که دو جنس هر یک در مدار خویش به حرکت خود ادامه دهند. آزادی و برابری آن گاه سود می‌بخشد که هیچ کدام از مدار و مسیر طبیعی و فطری خویش خارج نگردند. آن چه در آن جامعه ناراحتی آفریده است قیام بر ضد فرمان فطرت و طبیعت است؛ نه چیز دیگر»

بخش دوم: بررسی حجاب از دیدگاه اسلام و غرب

چرا غرب همواره تلاش کرده است که در سلسله اقدامات تهاجمی خود علیه ارزش‌های فرهنگی ملی و اسلامی، کشف حجاب را یکی از اقدامات مهم قرار داده و توان بالایی را به عملی شدن آن و جلوگیری از اشاعه حجاب اسلام اختصاص داده است؟ چرا اسلام، این دین سعادت بخش، حجاب را برای زنان واجب فرموده و یکی از احکام ضروری قرار داده است؟ شک نیست که غرب و اسلام با دو دیدگاه متفاوت به زن و ارزش‌ها و کرامت انسانی الهی او می‌نگرند و بر همین اساس برنامه‌ریزی می‌نمایند. اینک حجاب را از دو دیدگاه غرب مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم: لباس پوشیدن، شأنی از شئون انسان است و در هر تمدن رابطه مستقیمی با معنای انسان و تعریف انسان در آن تمدن دارد. حجاب انسان در تمدن جدید غربی چیست؟ در تمدنی که خدا از صحنه زندگی غایب شده، و در کلیسا عزلت گزیده، معنویت به حاشیه زندگی خزیده، و استخوان‌بندی فرهنگ و تمدن غربی، یک استخوان‌بندی مادی شده که در آن دیگر معنویت و قدس، اصالت ندارد و انسان دیگری موجودی نیست که حامل «روح الهی» باشد و بتواند خلیفه خدا در زمین شود و

در این تمدن، انسان هیچ فرقی بنیادی و وجودی با حیوان ندارد... او هم چند سالی در طبیعت زندگی می‌کند و می‌میرد و دیگر هیچ! ارزش و اعتبار همه چیز در این تمدن با این ملاک سنجیده می‌شود که چقدر می‌تواند به انسانی که اساساً حیوانی مادی است، لذت ببخشد و یکی از چیزهایی که می‌تواند به او لذت ببخشد «تن انسان» است. از نظر غرب، انسان جز «تن» چیز دیگری نیست و این تن یکی از مهم‌ترین آبخشورهای لذت اوست، و او در فرصت محدودی که تا مرگ دارد باید از همه لذت‌ها تا می‌تواند بهره‌مند شود» در این جا ما دیدگاه برخی از دانشمندان غربی را درباره حجاب و پوشش کنار هم قرار می‌دهیم تا شما خود به قضاوت بنشینید و علت تناقض گویی‌ها را خود پیدا کنید. راسل با «تابو» خواندن احساس شرم، عفاف و تقوای مرد و پوشش زن درباره ریشه حیا و حجاب می‌گوید: «اخلاق جنسی آن‌چنان که در جوامع متمدن دیده می‌شود، از دو منبع سرچشمه می‌گیرد: یکی، تمایل به اطمینان پدری، دیگری، اعتقاد مرتاضانه به خبیث بودن عشق. دیدگاه فروید نیز هم افق با دیدگاه راسل است. او نیز اخلاق جنسی را تابو می‌خواند و در

روان‌شناسی خود، مبنای تحرکات انسان را در همه دوران‌های زندگی، گزینه جنسی معرفی می‌کند و ایجاد مانع در برابر آنان را به هر شکل ممکن، مردود شمرده، عامل بیماری‌های روانی می‌داند. به راستی، آیا می‌توان این کلمات متناقض که حقایق آشکار را زیر پا می‌گذارد پذیرفت؟ آیا اخلاق نوین جنسی غرب که با استفاده همین نظریات پایه‌ریزی شده مشکلات روانی را حل کرده است و یا به عکس، عوارض بی‌شمار فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی به وجود آورده و هزاران درد بی‌درمان به دردهای گذشته افزوده است؟. آیا می‌توان با این سخن متناقض، به تحلیل ریشه حجاب و حیا پرداخت و آن را تبیین نمود؟ شهید مطهری در پاسخ غربی‌ها می‌گوید: درباره این‌که زن ابتدا در خود احساس نقص می‌کرده است و سبب شده که هم خود او و هم مرد، او را موجود پست بشمارد، سخنان زیادی گفته شده است، خواه آن سخنان درست باشد و خواه نادرست، با فلسفه اسلام درباره زن و پوشیدگی زن رابطه‌ای ندارد. اسلام، نه حیض را موجب پستی و حقارت زن می‌داند و نه پوشیدگی را به خاطر پستی و حقارت زن عنوان کرده است؛ بلکه منظور دیگری داشته است» آیه الله جوادی آملی می‌گوید: «شبهه‌ای که در ذهنیت بعضی افراد هست، این است که خیال می‌کنند حجاب برای زن محدودیت و حصار است، حجاب نشانه ضعف و محدودیت زن است.» محرومیت از ارضای گزینه جنسی از راه مشروع و طبیعی، باعث انحراف و فساد خواهد شد؛ اسلام این مشکل را با دستور ازدواج و توجه همسران به ارضای همدیگر حل کرده است. این اشکال که حجاب و پنهان شدن زن در میان پوشش‌ها باعث محرومیت و طغیان و فساد می‌شود، بی‌اساس است، زیرا اسلام با آن دستورهای موکد خود راجع به ازدواج و احکام دقیق خود در این مورد، رفع محرومیت کرده است. اما «باید توجه داشت که اگر مشکل محرومیت را با به وجود آوردن بی‌بند و باری و کشف حجاب رفع کنیم، مفاسد تباهی‌ها هزاران برابر بیش از تباهی‌های محرومیت است؛ قبلاً اشکال می‌کردند که محرومیت از زن باعث می‌شود که مردها به همجنس خود تمایل کنند و گناه بزرگ «لواط» رائج می‌گردد؛ ولی باید با این‌ها گفت چرا در دنیای غرب که مرد از محرومیت بیرون آمده و با کمال آسانی می‌تواند با زن تماس بگیرد، دامنه همجنس‌بازی و لواط گسترده شده؛ تا آن‌جا که این موضوع به عنوان لایحه به مجلس کشیده شده و مجلس بریتانیا جواز آن را تصویب کرده است؟ از این نمونه و امثال آن

می‌فهمیم که حل مشکل با بی‌بندوباری نیست، بلکه بی‌بندوباری مشکل را هزارها برابر می‌کند. بی‌بندوباری زن‌ها، برنامه‌های سکس، فیلم‌هایی که نمایشگر زن‌های نیمه‌عریان و بی‌حجاب است، و دوست بازی به عنوان جشن و هنر و برداشتن مرز بین زن و مرد، هر یک آتش است که به خرمن غریزه جنسی می‌افتد، و عواقب این تهیجات و تحریکات بر کسی پوشیده نیست؛ اسلام که کاملاً به همه جوانب با نظر دقیق می‌نگرد و دستوراتش عمیقاً حساب شده و منطقی است، کاملاً به مرز باریک بی‌بند و باری و فساد اطلاع و توجه دارد، و به خوبی در قانون‌گذاری خود خطر شکسته شدن حصار عفاف، و باریکی این مرز را در نظر داشته است. زندانیان چادر، عنوان کتابی است که توسط خانم شهره مستشار در انگلیس منتشر شده است «چنانچه از عنوانش پیداست، حجاب، ضد آزادی زن تلقی شده است. می‌دانیم که آزادی قلمروهایی دارد: بیان عقیده، فعالیت سیاسی و.... حجاب کدام آزادی را سلب می‌کند؟ اگر فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی زنان معنی نداشت، دیگر کدام آزادی است که با حجاب سلب شده است؛ مگر این‌که مراد از آزادی، هرزگی جنسی و بی‌بندوباری غریزی باشد؛ که البته حجاب این آزادی را تحدید می‌کند و رسالت حجاب هم همین است و نیز حجاب برخی دشواری‌ها را به بار دارد که اگر اصل آن برای سلامت و رشد جامعه انسانی مقید انگاشته شود، باید آن را متحمل شد.»

بخش سوم: تساوی حقوق زن و مرد از دیدگاه اسلام و غرب

در دفاع از حجاب، می‌توان گفت: «مگر دانش اندوزی، با محدودیت همراه نیست. مگر راست گویی، برخی آزادی‌ها را سلب نمی‌کند. همواره ناموس خلقت بر این استوار بوده که اشیاء ذی قیمت و پر ارج را در پوشش محکم و دست و نیافتنی و به دو از چشم و دسترس هر کس و ناکس محافظت نموده است. مرواریدهای گرانسنگ را در پوشش نفوذناپذیر چون صدف نگاهداری نموده، اما سنگ‌های بی‌ارزش را به وفور در هر جا پراکنده است. زن مسلمان نیز آن‌گاه که پیکر خود را حرم پر حرمت حجاب قرار می‌دهد و خویشتن را از تیر نگاه‌های هوس آلود مردان هرزه حفظ می‌کند، در واقع مروارید گرانسنگ عفت و نجابت را در صدف حجاب و گوهر ارجمند زنانگی خویش را در پوشش مطمئن از دستبرد نامحرمان حفظ می‌نماید.» همچنین می‌توان گفت: «و هرگز پوشش، مانع کار نیست. اگر نگاهی به آن زنانی که در کارخانه‌ها کار، یا در دهات مشغول

تولید هستند، بکنیم می‌بینیم هم پوشیده هستند و هم به اقتصاد کمک می‌کنند، و این زنان غرب زده هستند که با برهنگی خود جامعه را به فساد کشیدند و یک موجود مصرفی و تفننی بیش نیستند.» ضمناً باید گفت: «تنها راه حفظ شخصیت و حرمت زن روی آوردن به حجاب است. اگر او به حجاب روی آورد، پایگاه خانوادگی‌اش قوی می‌شود. مردها، ناچار می‌شوند به زندگی خانوادگی خود ارج نهند و به همسران خود، واقعا توجه کنند (و به آنها وفادار باشند). اگر حجاب خود را ارج نهد، او را به مشاغل پست با حقوق بخور و نمیر، نمی‌گمارند و استعدادهای واقعی‌اش به هدر نمی‌رود و آن وقت است که می‌تواند در مشاغل عالی، به مراتب بیشتر از آنچه برای بی‌حجاب مطرح است، توفیق به دست آورد.»

منابع و مآخذ

- قرآن کریم
- اسکافی، ابن جنید، (۱۴۱۴ ق)، «مجموعه فتاوی ابن جنید» (به کوشش علی پناه اشتهاودی)، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
- امامی، سیدحسن، (۱۳۸۳)، «حقوق مدنی»، ج ۳، چاپ هفدهم، تهران، انتشارات اسلامی.
- بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمدبن علی، (۱۴۰۴)، «من لایحضره الفقیه»، ج ۴، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
- بحرانی، یوسف، «الحدائق النازره فی احکام العترة الطاهره»، ج ۹، قم، انتشارات جامعه مؤسسين، بی تا.
- تمیمی مغربی، نعمان بین محمد، (۱۳۸۳)، دعائم الاسلام، جلد ۲، قاهره، دار المعارف.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۵۷)، «ارث»، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- الحسینی العاملی، سید محمد جواد، «مفتاح الکرامه»، قم، مؤسسه اهل بیت (ع)، ج ۸، بی تا.
- حکمت نیا، محمود (۱۳۹۰)، حقوق و مسئولیتهای فردی و اجتماعی زن، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۸۶)، طرح یک فوریتی اصلاح مواد قانون مدنی، مجلس شورای اسلامی، شماره چاپ ۲۰۰۵.
- خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۳ ق)، «معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواه»، قم، بی تا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم؛ الدار السامیه، چاپ اول، ۱۴۶ ق/ ۱۹۹۶ م.

- روحانی، سید محمد صادق (۱۳۷۵)، استفتائات قضایی، انتشارات کلبه شروق، قم.
- سبحانی، جعفر، (۱۴۱۵ ق)، «نظام الارث فی شریعه الاسلامی»، قم، مؤسسه امام صادق (ع).
- سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، حاشیه بر مکاسب، قسمت خیارات، ص ۱، چاپ سنگی
- شایگان، سید علی، (۱۳۷۵)، «حقوق مدنی»، قزوین، انتشارات طه.
- شهید ثانی. شرح المعه. ترجمه علی شیروانی، مؤسسه انتشارات دارالعلم، قم. ۳۱. ۱۳۸۴.
- شهیدی، مهدی، (۱۳۸۱)، «ارث»، چاپ چهاردهم، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- صادقی مقدم، محمد حسن، انصاری پور، محمد علی، (۱۳۸۴)، «اجرت المثل کارهای زوجه و بررسی آرای محاکم»، مجله مدرس، شماره ۹.
- صافی گلپایگانی، لطف اله، (۱۳۸۵)، «ارث الزوجه»، قم، المطبعه العلمیه.
- طباطبایی بروجردی، حاج آقا حسین، (۱۴۱۳ ق)، «تقریرات ثلاث» (به قلم علی پناه اشتهااردی)، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
- طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۷۷ ق)، «تفسیر المیزان»، ج ۴، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، ج ۳، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
- طوسی (شیخ طوسی)، محمد بن حسن، (۱۳۸۷)، «المبسوط فی فقه الامامیه»، ج ۴، تهران، مکتبه المرتضویه لاحیاء آثار الجعفریه.
- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر الحلی، (۱۳۸۱)، مختلف الشیعه، قم، بوستان کتاب
- الغمراوی، محمد الزهری (۱۴۱۹)، سراج الوهاج، بیروت، انتشارات دارالمعرفه للطباعه والنشر، لبنان.

- فهیمی، عزت الله، بررسی تطبیقی ارث اقلیتهای دینی در حقوق اسلام و ایران، دانشگاه قم، چاپ اول، ۱۳۸۱، ضمائم (پاسخهای انجمن کلیمیان تهران) صص ۲۶۲۲۳۷.
- فیض کاشانی، ملا محسن، (۱۰۴۷)، مفاتیح الشرایع، جلد ۳، قم، مجمع الذخایر الاسلامیه.
- قرائتی، محسن، (۱۳۸۴)، «تفسیر نور»، ج ۲، چاپ یازدهم، تهران، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن.
- قربانی، فرج الله، (۱۳۸۲)، «مجموعه آراء وحدت رویه دیوان عالی کشور»، تهران، انتشارات فردوسی.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۵)، «حقوق مدنی» (درسهای از شفعه، وصیت، ارث)، چاپ هفتم، تهران، میزان.
- کاتوزیان، امیر ناصر، (۱۳۶۹)، «حقوق انتقالی»، تهران، کانون وکلای دادگستری.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۷، ارث، نشر دادگستر، چاپ دوم.
- کاظمزاده، علی (۱۳۸۲)، تفاوت حقوقی زن و مرد در نظم حقوقی ایران، تهران، میزان مجلسی، محمدتقی (۱۴۱۰)، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الطبع و النشر.
- مازندرانی خاجویی، محمد اسماعیل، (۱۳۶۷)، «الرسائل»، ج ۲، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- الماسی، نجادعلی، (۱۳۸۶)، «حقوق بین الملل خصوصی»، چاپ پنجم، تهران، نشر میزان.
- مجموعه نظریات شورای نگهبان، ۱۳۸۴، تهران، دادگستری، ج ۷.
- محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن، (۱۳۸۳)، «شرایع الاسلام»، ج ۳، قم، دارالتفسیر.
- مصباح، محمدتقی (۱۳۸۸)، نگاهی گذرا به حقوق بشر از دیدگاه اسلام، تدوین عبدالحکیم سلیمی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصلحی عراقی، حسین، (۱۳۸۵)، «حقوق ارث»، تهران، سمت.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۸)، «مجموعه آثار»، تهران، انتشارات صدرا.

- مفید، ابی عبدالله محمد بن نعمان بغدادی، (۱۴۱۰)، «المقنعه»، قم، نشر الاسلامی.
- مهرپور، حسین، (۱۳۷۰)، «بررسی میراث زوجه در حقوق اسلام و ایران»، تهران، انتشارات اطلاعات.
- موسوی خمینی، سید روح الله، «تحریر الوسیله»، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، بی تا.
- موسوی غروی، سید محمد جواد، (۱۳۷۷)، «فقه استدلالی در مسائل خلافتی»، ج ۱، اصفهان، انتشارات اقبال.
- نجاشی الاسدی، ابوالعباس، (۱۴۱۶ ق)، «رجال»، قم، مؤسسه نشر اسلامی.